

بررسی تاریخچه داستان نویسی زنان در ایران

ادریس بیداری^{۱*}، کمال مرادی^۲، میلاد کریمیان^۳

^{۱*} دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان کردستان (bidariedris@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور
کردستان (kamalmorady8929@gmail.com)

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان
کردستان (miladkarimyan2002@gmail.com)

چکیده

جنبش مشروطیت، نقش مهمی در بیدار سازی و هشیاری زنان در ایران داشت. طرح شعارهای برابری خواهانه ی حقوق زن و مرد توسط مشروطه طلبان، موجب بازنگری نقش زنان در عرصه های اجتماعی گردید. بازتاب این امر در دنیای ادبیات، حضور گسترده تر زنان در این عرصه بود. نخستین داستان های زنان، سرشار از موعظه و اندرز است؛ زنان داستان نویس ایرانی از دهه ی چهل به بعد جرأت و جسارت بیشتری برای پرداختن به موضوعات زنانه در آثارشان یافتند و اعتراض علیه هژمونی (برتری) مردانه نیز به یکی از مضامین اصلی این آثار تبدیل شد. این مقاله به بررسی تاریخچه داستان نویسی زنان در ایران از دوره مشروطیت به بعد می پردازد. همچنین به تقسیم بندی تاریخ داستان نویسی با استناد بر تقسیم بندی فیاض و رهبری می پردازیم. روش پژوهش مقاله مروری و کتابخانه ای است. به طور کلی دهه هشتاد را باید دهه ای برای محکم کردن جای پای زنان در بستر ادبیات داستانی دانست، اما این جریان رو به رشد در دهه هشتاد به شکل مستقلی از ادبیات داستانی فارسی تبدیل شد که با آنچه که مردان می نوشتند، تفاوت های آشکاری داشت. بنابراین باید دهه هشتاد را آغاز جریان زنانه نویسی دانست.

کلمات کلیدی: ادبیات زنان، تاریخچه نویسندگی زنان، جنبش مشروطیت

۱- مقدمه

۱-۱- جایگاه زن در ایران باستان

وضع زنان در ایران باستان، به گونه ای مثبت توصیف شده است. زنان در ایران باستان به ویژه در زمانه‌خامنشیان، از جایگاه بسیار بالایی برخوردار بودند. آنان، همپای مردان در کارها و پیشه‌ها و حتی مناصب اجرایی شرکت می‌کردند. مشهورترین برابری حقوق زن و مرد را در ایران باستان، اجازه انتقال سلطنت از پادشاه به دختر دانسته اند (اقبالی: ۱۳۸۷، ۲۹). «بررسی درباره فعالیت های فرهنگی زنان نشان می‌دهد که تاریخ ایران با نقش مؤثر و فعال یک زن در آموزش و پرورش آغاز می‌گردد. این زن، «ماندانا»، مربی و مادر کورش بزرگ است. پس از نام ماندانا به نام «آتوسا» بر می‌خوریم. این زن، دختر کورش، همسر داریوش و مادر خشایارشا است. بنا به اقوال مورخان، وی، نخستین زن شاعر و ادیب ایران و از مشوقان بزرگ آموزش و پرورش در عهد خود به شمار می‌رود» (سراج: ۱۳۹۴: ۶۰)

البته وضعیت زنان در ایران در نوسان بوده است. در دوره‌هایی مثل حکومت غزنویان، زنان در غیاب و پرده نشینی به سر می‌بردند و مشارکت آنان چندان مشهود نیست. با توجه به جایگاه برتر و فروتر زن در برخی دوره‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که هرگاه شرایط برای زنان مساعد بوده است آنها توانسته‌اند کاستی‌های منسوب به خود را پس بزنند و به رشد فکری، اجتماعی و اقتصادی برسند.

بی‌صدا و خاموش بودن زنان به عنوان تولیدکننده متون ادبی به این معنا نیست که زنان به این عرصه توجهی نداشته‌اند؛ بلکه پژوهشگران بر این باورند که زنان شاعر و نویسنده وجود داشته‌اند اما | بنا به دلایلی که به سود جامعه مردسالار نیست، نام آنها در تاریخ به پستو رانده شده است؛ یا اینکه چون آفریننده آثار ادبی و علمی زنان بوده‌اند، کم ارزش تلقی شده به حاشیه رفته‌اند.

«اسپندر ۱ منتقد تاریخ ادبیات زنان، در پژوهشی که درباره آثار ادبی به ویژه رمان‌هایی که در سده هجدهم انجام داده است، به این نتیجه رسیده که از آغاز تا پایان این سده، نزدیک به دو هزار رمان نوشته شده است. وی معتقد است نمی‌توان حکم قطعی داد که چه تعداد از این رمان‌ها را زنان نوشته‌اند. البته با بررسی‌هایی که انجام داده است به این یافته‌ها رسیده که در چند مورد جنسیت نویسنده نامعلوم است و به ویژه به سبب تمایل به انتشار نوشته‌هایی بی‌نام که گمان می‌رود زنان بیشتر به وسوسه‌های آنان دچار بوده‌اند. اما حتی اگر این نویسندگان با جنسیت نامعلوم را از فهرست رمان‌نویسان سده هجدهم کنار بگذاریم، باز هم شمار زنان رمان‌نویس و آثاری که از آنان به جا مانده است حیرت‌آور است؛ معنای این حرف آن است که حتی با محافظه‌کارترین معیارها هم باید نزدیک به نیمی از سهم تولیدات داستانی این سده را به زنان نسبت داد و جای شگفتی نیست که همه نابود شده‌اند». (سراج: ۱۳۹۴، ۶۶۲ اسپندر: ۱۳۸۲، ۷۱-۷۲)

در تاریخ ادبیات ایران نیز از هنرمندان زن، چندان نامی به میان نیامده است. تاریخ ادبیات ایران، مذكر است. جامعه مردان، ظهور زنان را در عرصه‌های هنری و علمی برنمی‌تابیده است. اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران نیز در برخی دوره‌ها به گونه‌ای است که به زنان اجازه ابراز وجود و هنرنمایی داده نشده است. با کاوش در تاریخ ادبیات زنان، ردپای اندک از شاعران و نویسندگان زن به چشم می‌خورد. مهستی گنجوی شاعر بنامی در دوره سلجوقیان است، او زنی بی‌باک است و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

به وضعیت بغرنج زنان دوره خود معترض است (اقبال، ۱۳۸۷: ۳۳۰). وی را بزرگ ترین شاعره رباعی سرای ایران دانسته اند که زبان عربی و رکیکی را در اشعارش به کار گرفته است.

روح انگیز کراچی در پژوهشی با عنوان تاریخ شعر زنان از شاعران زنی یاد می کند که نام برخی از آنها به گوش خوانندگان آثار زنان نخورده است؛ رابعه (دوره آغازین غزل)، کنیزک مطربه، پرویز خاتون، دختر کاشغری، عایشه سمرقندی، دختر مهستی، فاضله سمرقندی، و... از این جمله اند (رک. کراچی، ۱۳۹۴: ۱۳۹-۱۴۵)

در ادبیات تولیدی مردان نیز، زنان یا به عنوان معشوق آرمانی، زیبا و دست نیافتنی در اشعار عاشقانه شاعران توصیف می شوند و یا در متون غیر عاشقانه به صورت زنان پرده نشین و فرمانبر در خانه ها و حرمسراها بودند. البته نگاه به زنان در همه دوره ها و نزد همه ادیبان یکسان نیست. برای مثال فردوسی از زنانی یاد می کند که جنگاور و دلیر هستند و اهل رزم و قابل ستایش؛ در مقابل سعدی در گلستان و بوستانش زن خوب را زنی می داند که در خانه بنشیند، از مرد فرمان برد و در بازار و جنگ حضور پیدا نکند.

درباره جایگاه زن و شخصیت او در آثار شاعران کلاسیک دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که تصویر زن را در منظومه های داستانی کهن، بسیار منسجم تر و فعال تر از تصویر زن در ادبیات معاصر فارسی می داند. **آذر نفیسی** در پژوهش خود به نام **تصویر زن در ادبیات کهن فارسی و رمان معاصر ایرانی**، نشان می دهد که در هزار و یکشب و منظومه هایی چون ویس و رامین، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد، بیژن و منیژه و لیلی و مجنون و... زنان معشوقه با مردان عاشق خود در گفتگو هستند. آنها بر خلاف حرکت جامعه، تسلیم ازدواج های اجباری نمی شوند و به معشوق های خود وفادار می مانند. در مقابل، مردان نیز بر حسب تصمیم گیری زنان عمل می کنند و نقش متفاوتی را بازی می کنند. نویسنده، این گونه پرداخت شخصیت زن را در منظومه های یاد شده، « واژگون سازی خلاق » می نامد. چون زنهای این داستان ها در عشق و دلبری با مردانشان برابری می کنند. آنها جسور و مستقل اند و در وفاداری چنان اند که معمولا مردان آنها به پایشان نمی رسند. مهم تر از همه این ها، گفتگویی است که شکل می دهند؛ آنها با جهان بیرون که نسبت به عشقشان بی احساس است، گفتگویی منفی دارند و با عشاق خود گفتگویی مثبت، که از طریق آن به مقابله با نقش های سنتی بر می خیزند. « (نفیسی ۱۳۹۳) واژگون سازی خلاق در این منظومه ها، نقش زن را از موجودی ضعیف و زیر سلطه جامعه مذکر تعبیر می دهد و به صورت زنی مخالف خوان با واقعیات جامعه می آفریند. همه این داستان ها، درون جامعه ای به شدت طبقه بندی شده و مذکر آفریده شده اند. فرض بر این بوده که محور همه آنها قهرمان مذکر است اما این حضور فعال زنان است که در وقایع تغییر ایجاد می کند؛ که زندگی مردان را از مسیر سنتی خود خارج می سازد؛ که مردها را چنان تکان می دهد که خود نحوه زندگیشان را تغییر می دهند. در داستان های قدیم فارسی، زنان فعال در صحنه غالب اند. آنها باعث وقوع رویدادها می شوند» (همان).

در رمان های معاصر مردانه، زنان هنوز هم موجوداتی کم عقل یا بی خرد و احساساتی به شمار می آیند و در خور کارهایی کاملا بدی؛ که مقدس ترین آنها تیمارداری است» (توکلی، ۱۳۸۲: ۶۰).

از بین نویسندگان معاصر، صادق هدایت به واسازی تقابل های دوگانه زن (ناپاک) / مرد (پاک)، پرداخت و به جای آن، در رمان بوف کور، دوگانگی اثیری (زن) خنزر پنزری (مرد) را گذاشت (حقدار: ۱۳۸۰، ۷۰)

به طور کلی در بیشتر متون معاصر، زن، هنوز به عنوان موجودی منسجم که در کلیت خود تعریف شود، نیست. برخورد میان سنت و مدرنیته باعث گسستگی در شخصیت زن در این آثار می شود. چنگ زدن به سنت های گذشته و تعریف مدرن با

دیدگاه های غربی چهره منسجم و آرمانی زن را که در ادبیات و منظومه های داستانی نمود داشت، مخدوش کرده است. نویسندگان ایرانی در رمان های خود، بلاانقطاع دو تصویر افراطی و مستعمل از زنان را تولید و بازتولید می کنند؛ تصویر قربانی و تصویر فاحشه. در هر دو مورد امکان رابطه برخوردار از معنا، بین زن و مرد تبدیل به سراب می شود» (نفیسی: ۱۳۹۳)

۱-۲- زمینه های آگاهی و بیداری زنان

جنبش مشروطیت، نقش مهمی در بیدار سازی و هشیاری زنان در ایران دارد. توجه به حقوق زنان و رشد و گسترش آموزش و مشارکت زنان در عرصه های مختلف از دست آوردهای مشروطه است. «اساسی ترین پایه برای شروع یک حرکت ماندگار در عرصه ادبیات برای زنان، همه گیر شدن آموزش خواندن و نوشتن بود. در اوایل دهه ۱۲۸۰، جامعه به زنان اجازه یادگیری نوشتن نمی داد. در دوران حکومت قاجار، برخی خانواده ها به دخترانشان اجازه دادند تا خواندن را بیاموزند اما یادگیری نوشتن برای آنها امری ممنوع به حساب می آمد، (غلامحسین زاده و دیگران: ۱۳۹۱، ۲۰۲)

با توجه به دگرگونی های که پی آورد نهضت مشروطه بود، نیاز به آموزش و یادگیری زنان هم پای مردان احساس می شد. به دنبال تلاش ها و درخواست های پیگیر زنان، مدارس دخترانه در تهران تأسیس شد. «نخستین مدرسه دخترانه «دوشیزگان» نام داشت. بی بی خانم استر آبادی که از زنان درس خوانده و آشنا به فرهنگ اصیل ایرانی است، ضمن آنکه از وضعیت اسفبار زنان انتقاد می کند برای دفاع از حیثیت آنان وارد عرصه می شود و در پاسخ به نویسنده «تأدیب النسوان» که به تحقیر زنان پرداخته، در کتاب «معایب الرجال» از زنان برجسته ادیان گوناگون نام می برد و نتیجه می گیرد فضیلت به انسانیت است، نه به مرد یا زن بودن. در پی چنین جریاناتی است که زنان در جنبش تنباکو، شورش قحطی ۱۲۷۷ ه.ق و شورش ۱۳۱۲ ه.ق تبریز، حضوری فعال و پررنگ می یابند و در تحولات مشروطه، زنان دوشادوش مردان به مبارزه برمی خیزند.» (ر.ک. سراج: ۱۳۹۴، ۶۶؛ کسروی: ۱۳۵۹، ۵۵-۴۴)

از جریان های دیگری که پس از آموزش زنان به پیشرفت این گروه و آزادی و ابراز هویت آنان کمک می کرد، انتشار مجله ها و نشریات زنان بود.

۲- روش تحقیق

نگارندگان در این پژوهش از روش مروری- ترویجی استفاده و در پی روشن سازی نوشته های جاری در موضوع تاریخچه داستان زنان در ایران می پردازد نخست تاریخ نویسندهی دوره معاصر سپس به تقسیم بر اساس تقسیم بندی فیاض و رهبری می پردازیم.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- تاریخچه داستان نویسی زنان

زمینه های پیدایش ادبیات معاصر ایران از دوره قاجار و به ویژه پس از مشروطه است. در این دوره، نویسندگان به دلیل آشنایی با فرهنگ و ادبیات غربی، کم کم از سنت های نویسندگی پیشین فاصله می گیرند و به ساده نویسی و فرم های جدید در ادبیات داستانی روی می آورند. داستان کوتاه به دلیل فرم ادبی جدیدش، جایگاه خوبی پیدا می کند. پس از آن، گونه ادبی رمان مورد توجه قرار می گیرد. «رمان، ساختاری بلندتر از داستان کوتاه دارد و فراگیرترین فرم ادبی دوران ما به شمار می رود. زمان پیدایی رمان، قرن هفدهم میلادی است.» (باقی نژاد و علیزاده ۱۳۹۴: ۶۲)

«رمان در اروپا به دنبال تحول فکری مدت ها قبل از ایران رواج یافت. اما در ایران، این تحول، بعدها و تا حدودی متأثر از اروپایی ها به وجود آمد. بیش تر از همه نهضت مشروطه و تغییری که در سطح درک و فهم مردم به وجود آورد، باعث شکل گیری نخستین رمان های فارسی شد. مشروطه باعث ایجاد نوعی خودباوری و انسان مداری در اذهان شد و موج این درک و برداشت، به زودی در رمان و داستان خود را نشان داد.» (عبداللهیان، ۱۳۷۷: ۱۷) بن مایه های بسیاری از رمان های نوشته شده در این سال ها، آزادی خواهی و بلاتکلیفی و بی هویتی زنان در جامعه ایرانی است.

بدیهی است که در سالهای آغازین ادبیات معاصر، به نام نویسنده زنی بر نمی خوریم و یا اینکه شمار نویسندگان زن بسیار اندک است. درگیری زنان در زندگی روزمره و اداره خانواده به اندازه ای است که مانع اندیشیدن آنان درباره تولیدات ادبی است. با فراهم شدن زمینه های آموزش و شکل گیری سازمان های آزادی خواه به ویژه پس از مشروطه، زنان نیز کم کم قلم به دست می شوند. امتیاز خواندن و نوشتن، ابتدا در اختیار خانواده دربار و طبقه اشراف است. نخستین نوشته های زنان به بانوان درباری منسوب است. نخستین زن که در ایجاد داستان (امیر ارسلان) در تاریخ معاصر نقش داشته است، **فخرالدوله** است که قصه هایی را که نقیب الممالک می خوانده است، تحریر می کرده است. اولین پاورقی از **دلشاد چنگیزی** در مجله **عالم نسوان** چاپ شده است. **خاطرات تاج السلطنه** یکی دیگر از کتاب هایی است که یک زن درباری نوشته است. تاج السلطنه از نخستین زنان روشنفکر دربار قاجار و دختر ناصر الدین شاه است. او این خاطرات را در سال ۱۳۳۲ نوشته است. این خاطرات به دلیل آنکه نویسنده آنها زن است و زنانگی هم از طریق محتوا و هم در صورت های زبانی دیده می شود از دیدگاه سبک شناسی زنانه دارای اهمیت است.» (رضوی و صالحی نیا، ۱۳۹۳: ۵۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۲-۲-فیاض و رهبری با استناد به میرعابدینی تاریخچه نویسندگی زنان را به سه دوره تقسیم کرده اند؛ این سه دوره به شرح زیر است:

- ۱- گام های اولیه از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۹
- ۲- هموار کردن راه از ۱۳۴۹ تا ۱۳۶۹
- ۳- رهسپار راه های تازه از دهه ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰

کام های اولیه

در فاصله زمانی سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۹ نام ۱۵ نویسنده زن در تاریخ ادبیات داستانی آمده است. در همین برهه زمانی، ۲۷۰ نویسنده مرد دست به قلم بوده اند. بنابراین در برابر هر ۱۸ نویسنده مرد یک زن وجود دارد (میرعابدینی، ۱۳۸۳: ۶۵).
در دهه نخستین یعنی تا سال ۱۳۱۰ نام نویسنده زنی که داستان به معنای امروزی بنویسد، نیامده است. در دهه ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ **ایراندخت تیمورتاش و زهرا خانلری** (کیا) داستان های خود را منتشر کرده اند. **دختر تیره بخت و جوان بلهوس و پروین و پرویز** به ترتیب از این دو نویسنده است. **رهبر دوشیزگان** نیز داستان دیگری است که خانلری نوشته است. داستان های خانلری پختگی بیشتری نسبت به داستان تیمورتاش دارد (محمدی و قایینی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۹۸).

نخستین داستان های زنان، سرشار از موعظه و اندرز است؛ اندرز دخترانی که در دام هوس های مردان می افتند. در این داستان ها، عشق موضوع ممنوع است. روابط زنان و مردان، تنها برای هشدار دادن به دختران و کریه نشان دادن باطن مردان توصیف می شوند. این داستان ها بر پایه مبارزه خیر و شر - زنان ساده دل و مردان فریبکار - نوشته شده اند. توجه به فرم و عناصر زیباشناختی در آنها جایگاهی ندارد (میرعابدینی: www.sarapoem.persiogig.com)

اهمیت نخستین داستان های زنان با همه خام دستی شان بخاطر پا گذاشتن زنان به عرصه های مردانه و آزمودن تمرینات آنها اهمیت دارد. زبانه نویسی در آثار اولیه جایگاهی ندارد و آنها صرفا باز تولید کننده دیدگاه های مردان درباره زنان است. (همان)

در دهه ۲۰ سیمین دانشور تنها نویسنده زنی است که اولین داستان خود به نام «آتش خاموش» را منتشر کرد.

در دهه ۳۰ به نام هشت نویسنده زن بر می خوریم؛ **ملکه بقایی کرمانی** در این دهه، رمان «**بوسه تلخ**» (۱۳۳۶) را نوشت. آثار او از نخستین نمونه های داستانی است که از دید یک زن به مسائل زنان می نگرد. **بهیندخت**

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

دارابی داستان «حرمان» (۱۳۵۵) را منتشر کرد. مهین توللی مجموعه داستان «سنجاق مروارید» را انتشار داد. کیوان دخت کیوانی، جوانی (۱۳۳۰) و گذر از سطح آب و خاطرات روزهای جنگ را با نام یادداشت های ناتمام نوشت. مریم ساوجی، داستان «دختر راه و فرشته» را نوشت. ماه سیما (مستعار) نیز زنجیرهای تقدیر (۱۳۳۶) را درباره موقعیت خانوادگی و اجتماعی زنان اشراف نوشت. (فیاض و رهبری، ۱۳۸۵: ۲۸، ۲۷)

«جنبش حقوق زنان که در سال های ۱۳۳۱-۱۳۱۱ دچار زوال گردید در سال های آغازین دهه سی، بار دیگر فعالیت های خود را از سر گرفت. اما این بار با حرکتی محتاطانه و در سایه دیکتاتوری پنهان. در عرصه ادبی نیز همچون دهه های پیش از آن، سیر حرکت زنان در ادبیات داستانی بسیار به کندی پیش می رفت و هنوز نگاه و صدای تازه ای پدید نیامده بود که بتوان آن را حرکتی جدید در این وادی به شمار آورد» (غلامحسین زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰۵)

هموار کردن راه

این عنوان که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ ه را در بر می گیرد، به سه دهه قابل تقسیم است.

الف) در دهه ۴۰ تا ۵۰، بیش از ۲۵ نویسنده زن داستان نویسی خود را آغاز می کنند. شمار نویسندگان مرد در این دهه، ۱۳۰ نفر است یعنی در مقابل هر یک نویسنده زن، پنج نویسنده مرد فعالیت دارند. در این زمان، فاصله آماری کم می شود و زنان، با توجه به جایگاهی که در جامعه، به دست آورده اند، بتدریج از نظر نویسندگی، موقعیت ویژه خود را پیدا می کنند. (میر عابدینی، ۱۳۸۳، ۶۵-۶۰)

«افزایش عده نویسندگان زن، می تواند نشانگر تغییراتی در قوانین و آداب و سنن باشد. برخورداری از تحصیلات عالی، آسان تر شدن کارهای خانه، داشتن شغلی که تأمین مالی ایجاد می کند و فراغت و جمعیت خاطر لازم رابرای نوشتن پدید می آورد. حق دخالت در گزینش همسر و... از زمینه هایی است که در روی آوردن زنان به نویسندگی مؤثر است. نویسندگان جدی این دوره، راه را برای داستان نویسان دوره های بعد هموار می کنند. آنان در جهت شکل بخشیدن به شیوه ای ادبی که تا پیش از آن عمدتاً در انحصار مردان بود، می کوشند. افزون بر سیمین دانشور که کار خود را از دو دهه قبل شروع کرده بود و در این دهه، سووشون، را به چاپ رسانده است، می توان از مهشید امیرشاهی، گلی ترقی و مهین بهرامی نیز نام برد.» (سراج، ۱۳۹۴، ۷۵)

میر عابدینی معتقد است در این دوره (یعنی از سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷) زنان نویسنده از جمله گلی ترقی، مهشید امیرشاهی، شهرنوش پارسا پور، مهین بهرامی و غزاله علیزاده، آثاری حدیث نفس گونه نوشته اند و در این آثار،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

زندگی درونی پرمایه ای را به نمایش می گذارند. نداشتن استقلال شخصیت زنانی که هویت شان فقط در رابطه با مردان تعریف می شود، جنبه ای سوگنامه ای به این آثار می بخشد. نوشته های زنان داستان نویس در این دوره، بازتابی از تجربه ها و حالات شخصی آنان است؛ اما به صورت کنایی ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه را نیز در بر می گیرد. (میر عابدینی، ۱۳۸۶: ۴۰۹)

ب) دو دهه پنجاه و دهه شصت از نظر آماری نزدیک به هم هستند، به این ترتیب که در هر دهه، ۲۸ نویسنده زن، شروع به نوشتن کرده اند. در سال های ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰، در مقابل این ۲۸ نویسنده زن، ۱۹۸ نویسنده مرد، نخستین آثار خود را منتشر کرده اند؛ یعنی در برابر هر نویسنده زن، هفت نویسنده مرد وجود دارد. اما در دهه بعد به تعداد ۱۴۰ نویسنده مرد برخورد می کنیم، یعنی در این دهه، مردان کمتری داستان نوشته اند، در حالی که عده زنان نویسنده فرقی نکرده است. (میر عابدینی، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۰) شهرنوش پارسی پور، غزاله علیزاده، بنفشه حجازی و فرخنده آقایی از نویسندگان این دهه هستند.

رهسپار راه های تازه

در دهه ۱۳۷۰-۸۰ در حدود ۳۷۰ نویسنده زن نخستین اثر داستانی خود را منتشر می کنند. یعنی تقریباً ۱۳ برابر نویسندگان زن دهه پیشین. عده نویسندگان مرد در این دوره ۵۹۰ نفر است. فاصله از نظر تعداد نویسندگان زن و مرد بسیار کم شده است و شاخص مقایسه تعداد نویسندگان مرد که پنج برابر نویسندگان زن بود، به ۵/۱ برابر کاهش یافته است. فیاض و رهبری، (۱۳۸۵: ۳۳).

۳-۳- دهه هشتاد

« دهه هشتاد را باید دهه ای برای محکم کردن جای پای زنان در بستر ادبیات داستانی دانست، اما این جریان رو به رشد در دهه هشتاد به شکل مستقلی از ادبیات داستانی فارسی تبدیل شد که با آنچه که مردان می نوشتند، تفاوت های آشکاری داشت. بنابراین باید دهه هشتاد را آغاز جریان زنانه نویسی دانست». (غلامحسین زاده و همکاران، ۲۱۱: ۱۳۹۱).

غلامحسین زاده و همکارانش داستان های زنان را در دهه هشتاد به ترتیب زیر برشمرده اند:

منیرو روانی پور در آغاز دهه هشتاد **زن فرودگاه فرانکورت** (۱۳۸۰) را نوشت. چراغ ها را من خاموش می کنم اثر رویا پیرزاد است که داستان آن، زندگی روزمره زنان را از زبان کلاریس بیان می کند. **شورانگیز شریفیان** رمان چه کسی را باور می کند رستم (۱۳۸۲) را درباره زنی می نویسد که حسرت بازگشت به گذشته را دارد. **فرخنده آقایی** در دهه هشتاد بار دیگر با **رمان از شیطان آموخت و سوزاند** (۱۳۸۵) با ادبیاتی زنانه و قوی خود را نشان داد. **لادن نیکنام** نیز در مجموعه داستان **حفره ای در آینه** (۱۳۸۶) به دل مشغولی زنانه پرداخته است. **رمان خاله بازی** (۱۳۸۷) اثر **بلیسی**

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سلیمانی روایت زندگی زن و مردی را به پیش می برد. مجموعه داستان **قطار در حال حرکت است** نوشته **میترا داور** (۱۳۸۸) است که در اغلب داستان هایش به کار اجباری زنان و نحوه کنار آمدن آنان با این موضوع می پردازد. **رمان نگران نباش** (۱۳۸۷) از **مهسا محب علی** نیز یکی از آثار موفق این دهه است. **ناتاشا امیری** نیز از نویسندگان دیگر این دهه است. او در **با من به جهنم بیا** (۱۳۸۳) با زبانی ساده، به روایت واقع گرایانه داستان می پردازد. امیری در سال ۱۳۸۷ مجموعه داستان **عشق روی چاکرای دوم** را نوشت. (همان، ۲۱۱، ۲۱۲)

۶- نتیجه گیری

این مقاله مروری است بر تاریخچه نویسندگی زنان در ایران که در طول چند دهه توانسته اند موقعیت خود را در عرصه ادبیات ایران، به جایگاه تثبیت شده ای برسانند. آنان در حوزه داستان به خصوص ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان، رمان، نمایشنامه و فیلمنامه آثار پربراری را ارائه داده اند که به رقابت با آثار مردان می پردازد. در هر حال نباید فراموش کرد که زنانی که امروز می نویسند و می درخشند میراث دار زنانی هستند که دیرسالی است در برهوت جامعه مردسالار خشن و متعصب، کوره راه ها را در نور دیدند و با تگناهای بی شماری مبارزه کردند و راه را تا اندازه ای گشودند و به نسل های بعد از خود فرصت دادند که بر شانه های آن ها بایستند و داستان خود را به لبه دیوار مساوات برسانند.

مراجع

- [۱]. اسپندر، دیل (۱۳۸۲). زن و تاریخ ادبیات، در سلسله پژوهشهای نظری درباره مسائل زنان، گزینش و ترجمه از منیژه منجم عراقی و دیگران، چاپ اول، تهران: چشمه
- [۲]. اقبالی، مهدی (۱۳۸۷). زنان در تاریخ کهن ایران، چاپ اول. تهران: پردیسان.
- [۳]. باقی نژاد، عباس و ناصر علیزاده (۱۳۹۴). تاملی در ادبیات امروز، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۴]. حقدار، علی اصغر (۱۳۸۰). فراسوی پست مدرنیته، چاپ اول، تهران: شفیعی.
- [۵]. -رضوی، فاطمه و مریم صالحی نیا (۱۳۹۳). بررسی شالوده شکنانه نوشتار زنانه، مقایسه سبک تاج السلطنه و عزیز السلطان، فصلنامه تخصصی نقد ادبی، س ۷، ش ۲۶، تابستان، صص ۴۹-۶۶
- [۶]. -رهبری، ابراهیم و زهره فیاض (۱۳۸۵). صدای زنانه در ادبیات معاصر ایران، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۴، زمستان، صص ۲۳-۵۰
- [۷]. سراج، سید علی (۱۳۹۴). گفتمان زنانه، چاپ اول، تهران: روشنگران و مطالعات زنان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- [۸] عبداللهیان، حمید (۱۳۷۷). مروری بر سیر ادبیات داستانی در ایران، ادبیات داستانی، شماره ۴۷، صص ۲۴-۱۰.
- [۹] غلامحسین زاده، غلامحسین و دیگران (۱۳۹۱). سیر ادبیات زنان در ایران از ابتدای مشروطه تا پایان دهه هشتاد، ششمین همایش پژوهشهای ادبی در سال ۱۳۹۱، پاییز و زمستان، شماره ۷۱۳، صص ۲۱۳-۲۰۰، مجله تاریخ ادبیات.
- [۱۰] -کراچی، روح انگیز (۱۳۹۴). تاریخ شعر زنان ایران، جلد اول، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- [۱۱] -کسروی، احمد (۱۳۵۹). تاریخ مشروطه، چاپ ۱۵، تهران: امیر کبیر .
- [۱۲] -محمدی، محمد، قایینی، زهره (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات کودکان ایران: ادبیات کودکان در روزگار نو (۱۳۴۰-۱۳۰۰) (جلد ۵)، نشر چیستا
- [۱۳] میر عابدینی، حسن (۱۳۸۳). راه های رفته و دستاورد ها، ماهنامه زنان، سال سیزدهم، ش صد و پانزدهم، اذر صص ۶۶-۶۰
- [۱۴] میرعابدینی، حسن، زن و ادبیات، نخستین گامهای زنان در ادبیات فارسی معاصر www.sarapoem.persiogig.com